

نوشته شده توسط: م. ع. اطرافي

## گوشه از تاريخ ، چشمديد ها، خاطرات، حوادث و رويدادها ي افغانستان

کشور ما افغانستان در مسير و مرکز تقاطع چهار راه شرق و غرب، شمال و جنوب قرار دارد. موقعيت جيوپوليتيك و ستراتژيك افغانستان براي امپرا تورهائي نظامي، سياسي، اقتصادي و عقيدتي جهان در طول تاريخ از اهميت خاص برخوردار بوده است. هر زمانیکه اين امپراتورها خواسته اند بخاطر تسخير قلمروهاي ديگران اين چهار راهي را تسخير و يا ازان عبور نمايند به مقاومت سخت و شديد افغانها مواجه گشته اند. گاهي حملات را دفع کرده اند و زماني هم در مقابل سوقيات بزرگتر و قوي تر بردشمن تلفات و خسارات وارد نموده اند اما خودشان هم در سنگرهاي داغ دفاعي به شهادت رسيدند و مردم ما هم تلفات عظيم انساني و خسارات بزرگ اقتصادي را بخاطر ارمان مقدس دفاع از وطن خودمحمل شده اند. که اين جريان در طول تاريخ کشور ما بارها تکرار شده است.

نفوذ امپراتوري روس در ماوراي سرحدات شمال و غرب افغانستان و سياست پيشروي امپراتوري مذکور بسوي افغانستان به اشغال ولايت مرو افغانستان در فبروري سال ۱۸۸۳ انجاميد که الحاق انرا اعلان کرد. در سال ۱۸۸۵ ذوالفقار واق رباط و پنجه را نيز تصرف و الحاق نمود.

در قرن ۱۷ الي نيمه قرن ۲ تسلط و حاکميت امپراتوري انگليس بالاي نيم قاره هند و پيشروي امپراتوري مذکور به سوي افغانستان با نيرنگ ها همراه بود. در اين مدت سه جنگ خونين بين افغانستان و انگلستان در گرفت که در سه جنگ مسلحانه افغان ها پيروز شدند. اما انگليس ها با مکر و حيله قطعات خاك افغانستان را چند دفعه از پيکر سرزمين افغانستان جدا و به امپراطوري استعماري خود ملحق ساخت و افغانستان را به

کشور محاط به خشکه تبدیل نمود.

امپراتوری انگلیس و روس افغانستان را بحیث زون حائل بین شان اعلان کردند و روابط دیپلماتیک و تجارتي افغانستان را با سایر کشور های جهان قطع کردند. افغانستان را در محاصره سیاسی و اقتصادی گرفتند که بالای زندگی مردم ما تأثیرات ناگواری برجا گذاشت. این دو امپراتوری استعماری با هم رقیب و دشمن در مقابل افغانستان با هم متحد و دوست میشدند.

دادن سببایدی های پولی به رؤسای دولت افغانستان در قرن ۱۹ یکی از نیرنگ های انگلیسها بود. تزئید دوچند سببایدی پولی و تحویلدهی مهمات و سلاحهای نظامی انگلستان به امیر عبدالرحمن خان غرض سرکوب مخالفین داخلی مشوق امیر عبدالرحمن خان گردید که متن انگلیسی موافقتنامه خط نام نهاد دیورند را کورکورانه امضا کرد. باشنیدن این خبر مردمان هر دو طرف خط دیورند موافقتنامه امیر را با انگلیسها محکوم کردند و با پخش اعلامیه ها، و براه انداختن مارشها و تظاهرات مخالفت شانرا با موافقتنامه اعلام داشتند. از همان آغاز پخش این خبر، لویه جرگه های افغانستان هم این موافقتنامه را محکوم و فاقداعتبار اعلام نمودند.

پاکستان که مشروعیت تولد اش زیر سوال است از همان اوان تولد خود به شمولیت در پکت های نظامی منطوقی که قدرت های غرب نیز دران شرکت داشتند اقدام نمود. و جای امپراتوری و استعمار انگلیس را در منطقه اشغال کرد. در سال ۱۳۳۳ پاکستان راه ترانزیتی و تجارتي افغانستان را مسدود نمود. سردار محمد داؤد خان که در آن وقت وظیفه صدارت افغانستان را بعهدہ داشت سفر بری را اعلام نمود تا از طریق قدرت مردم راه ترانزیتی افغانستان را باز نماید. با اعلام سفر بری در سراسر شهرهای افغانستان مارشها و تظاهرات وسیع مردم علیه دولت پاکستان براه انداخته شد و بالای سفارت و قنصلگری های پاکستان مردم حمله کردند.

در فراخوان سفر بری هزاران افغان در تمام ولایات، شهرها و ولسوالی های کشور ثبت

نام کردند. پادشاه افغانستان که در آن زمان غرض استراحت و شکار به بدخشان رفته بود با شنیدن خبر سفر بری به کابل بازگشت و به دیپلماسی آغاز کرد.

قرار اخبار سرچوک آن وقت در اثر وساطت سفیر کبیر امریکا و سفیر کبیر عربستان سعودی بحران حل گردید و اوضاع دوباره به حالت عادی برگشت.

بعد از آن حادثه، سردار محمد داؤدخان از امریکا، انگلستان و بعضی کشورهای دیگر طلب کمک های نظامی نمود کشورهای مذکور از دادن کمک های نظامی به دولت غیر منسلک افغانستان ابا ورزیدند. سردار محمد داؤد خان ناگزیر شد از دولت اتحاد شوروی وقت طلب کمک نماید که با استقبال گرم رهبران اتحاد شوروی پذیرا گردید. سردار محمد داؤد خان کمک های مطالبه شده را از شوروی بدست آورد. بعد از آن روابط دوستی افغان شوروی در ساحات مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، زراعتی، تخنیکي، و فرهنگی و دیگر ساحات توسعه یافت. صد ها تخنیکر، متخصص ملکی و نظامی شوروی به افغانستان در دواير و مؤسسات افغانی، تصدی های دولتی تأسیسات نظامی، اعمار بند و انهار، دستگاهای تولید برق، سرکها و میدان هوایی، اعمار سیلوها و کارخانه جات و اعمار مکروریان ها و کندن تونل سالنگ و غیره با افغانها یکجا کار میکردند. در اعمار زیر بنا های اقتصادی بصورت متوازن سرمایه گذاری و کمک میکردند. روابط مردم افغانستان با اتباع شوروی در افغانستان با وصف اختلافات عقیدتی بسیار حسنه بود. علت اساسی آن بود که اتباع شوروی و دیپلمات های شان در امور عنعنات و عقاید مردم هیچگاه مداخله و بی احترامی نمیکردند.

ابرقدرت شوروی از خود اهداف ستراتیژیک هم داشت میخواست حاکمیت افغانستان را تحت نظارت و کنترل مستقیم و یا غیر مستقیم خود داشته باشد که افغانستان در اعمار شوروی متحد باقی بماند. بالای دولت افغانستان فشار وارد میکرد که به اتباع کشورهای غربی اجازه ندهد که در مناطق اطراف دریای آمو در ولایات شمالی افغانستان سیر و سفر نمایند. ذخایر نفت و گاز افغانستان تحت نظارت شوروی قرار داشت. میخواست که

معدن یورانیم هلمند و مس عینک لوگر را نیز تحت نظارت خود داشته باشد.

در کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ داؤد خان علیه پادشاه، افسران تعلیم یافته شوروی نقش برجسته داشتند. در ترکیب اولین کابینه و پست های دولتی به حزب چپ طرفدار شوروی سهم داده شد. بعد از استقرار نظام تک حزبی جمهوری، داؤد خان دستگاه دولتی خود را از طرفداران شوروی تصفیه کرده رفت که منجر به سردی روابط بین دولتین گردید. و شوروی کمک های اقتصادی خود را بحالت تعلیق درآورد.

زمانیکه روابط داؤد خان با دولت شوروی به سردی گرایید موصوف به کشورایران و کشورهای ثروتمند عربی یوگوسلاویا، هند و پاکستان سفر کرد و کمک های اقتصادی طلب کرد که برایش وعده های مشروط داده شد. در ماه اپریل سال ۱۹۷۷ به اتحاد شوروی سفر کرد و در ملاقات اش با بریژنوف در جلسه رسمی هر دو رهبر با یکدیگر به الفاظ شدید برخورد کردند. که منجر به سقوط جلسه گردید و داؤد خان دست خالی به افغانستان برگشت. روابط افغان شوروی بیشتر به سردی گرایید.

ترور نا به هنگام و مرموز مرحوم میراکبر خیبر استاد و تیوریسن برجسته حزب دموکراتیک خلق افغانستان زمینه ساز تشدید بحران گردید. بعد از آنکه جنازه مرحومی از مکروریان برداشته شد با مارش عظیم اعضای حزب و هواداران مرحومی از مسیر چهارراهی پشتونستان و جاده میوند در جوار سرک شهدای صالحین خاک سپرده شد. در مراسم تشییع جنازه مرحومی رهبران حزب بیانیه های پر شور شانرا ایراد نمودند و تمثیل قدرت کردند بعداً مراسم خاتمه یافت.

در شام ۶/۵ ثور ۱۳۵۷ رهبران و کدرهای حزب یکی پی دیگری بازداشت و زندانی گردیدند. فردای آن دستور انقلاب از جانب حفیظ الله امین که تا انوقت زندانی نشده بود به صاحب منصبان اردو داده شد و انقلاب از طریق کودتا پیروز گردید. مرحوم داودخان با اعضای خانواده و همراهان اش در مقر ریاست جمهوری به شهادت رسیدند. با سقوط دولت داؤدخان حزب دموکراتیک خلق افغانستان قدرت دولتی را بعهدہ گرفت.

**رنگ های سرخ، بیرق های سرخ و شعارهای سرخ** اذهان مردم را مشوش ساخت. دیری نگذشت که جرقه های مخالفت مسلحانه در چند نقطه کشور به نمایش گذاشته شد. این جرقه ها آهسته آهسته اوج گرفته میرفت. در درون حزب و دولت هم دشمنی ها به نقطه حاد خود رسید و به دو گروه آشتی ناپذیر منشعب گردیدند که مسبب مداخله نظامی شوروی در افغانستان گردید و به جنگ های داخلی افغانستان صبغه بین المللی داده شد. اتحاد جماهیر شوروی که بیش از دو قرن روابط حسنه و دوستانه با افغانستان داشت و در سطح جهان بحیث دوست و متحد ستراتیژیک افغانستان بنداشته میشد با هجوم نظامی اش به افغانستان با ملت افغانستان در گیر گردید. که تلفات عظیم انسانی و خسارات هنگفت اقتصادی را به مردم و وطن ما تحمیل کرد. خودش نیز تلفات عظیم و خسارات بزرگ اقتصادی را متحمل گردید.

سر انجام انقلابیکه با کودتا پیروز شده بود با خون هموطنان اش الوده گشت و یکجا با اردوی شوروی به شکست مواجه گردید. نظام اتحاد جماهیر شوروی نیز متلاشی گردید. مجاهدین بیروز شدند و بین خود شان بالایی تقسیم قدرت در کشمکش افتادند. که منجر به جنگ های خونین بین المجاهدین گردید و ده ها هزار شهریان کابل به شهادت رسیدند و شهر کابل به مخروبه بدل گشت.

در فرجام دکتور نجیب اله رئیس جمهور افغانستان در اثر وساطت نماینده سازمان ملل متحد قدرت دولتی را مسالمت آمیز به دولت مجاهدین تسلیم داد و بعد از تسلیم دادن قدرت علیه اش پلان کودتا سازمان داده شد. موصوف ناگزیر شد در مقر نمایندگی سازمان ملل متحد در کابل پناهنده شود.

توقع مردم افغانستان از دولت امریکا این بود که در ختم جنگ مانند جاپان و جرمنی در بازسازی و آبادی کشور جنگ زده و ویران شده افغانستان کمک نماید. زیرا افغانها بخاطر برآورده شدن اهداف امریکا قربانی ها داده بودند که یکی از افسران اطلاعاتی امریکا در یکی از فلم های مستند ویدویی که در تلویزیون ها پخش گردید تأیید کرد که "خون از

افغانها ریخت و اهداف از امریکا برآورده شد." اما دولت امریکا فرار را بر قرار ترجیح داد و مردم و کشور افغانستان را تنها گذاشت.

از خلابی قدرت در افغانستان استفاده شد و گروه ملیشا که خود را طالبان اعلان کردند از قلمرو پاکستان بالای شهرک سرحدی سپین بولدک حمله نمود و ان شهرک را اشغال کردند. آخرین جلسه کنفرانس بین الفغانی که بخاطر ایجاد دولت با پایه های وسیع در افغانستان در هتل آی ای اس آی در شهر کویته بلوچستان تحت نظارت سازمان ملل متحد به اشتراک امریکا، روسیه و شش کشور همسایه افغانستان جریان داشت و قرار بود که در همان روز مسوده نهایی شده موافقتنامه را تصویب و امضاً نمایند که خبر حمله و اشغال شهرک سپین بولدک توسط طالبان در جلسه طنین انداخت و مانند بم انفجار کرد و جلسه را برای همیشه متلاشی و متواری ساخت.

با اشغال کابل توسط طالبان دکتور نجیب اله که در مقر نمایندگی سازمان ملل متحد در کابل از سال ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۶ در قید و بند گیرمانده بود از مقر مذکور توسط طالبان ربوده شد یکجا با برادرش به شهادت رسید و به دار اوخته شد.

با همه اعتماد دکتور نجیب اله ملل متحد نتوانست و یا نخواست که در مدت چهارسال دکتور نجیب اله را از قید آزاد سازد و زندگی وی را نجات بدهد.

این حوادث افغانستان با خون سردی از جانب ملل متحد و قدرت های جهان نظاره میشود. تا اینکه کارد به گلوی خود امریکا رسید و حادثات غیر قابل تصور یازدهم سپتامبر بوقوع پیوست، امریکا و جهان را بلرزه درآورد و در وحشت انداخت.

پل پای متهمین حادثه ۱۱ سپتامبر به پناه گاه بنلادن و القاعده رد یابی گردید که در حمایت طالبان در ولایت کندهار اقامت داشتند. آقای جورج دبلیو بوش رئیس جمهور وقت امریکا علیه دولت طالبان، بن لادن و القاعده اعلام جنگ داد و بالای کشور افغانستان حمله نظامی کرد. به همکاری قوت های ائتلاف شمال به دولت طالبان سقوط داده شد بن لادن، القاعده و طالبان به قلمرو پاکستان در ماورای خط دیورند فرار و متواری شدند.

در دو سال اول ریاست جمهوری آقای کرزی امنیت نسبی در افغانستان برقرار شد  
تهدیدی از سوی طالبان دیده نمیشد.

زمانیکه در دولت آقای کرزی دو جبهه ایجاد شد. یک طرف آقای حامد کرزی با متحدین اش  
و طرف دیگر مخالفین آقای کرزی جبهه متحد ملی مخالف را تشکیل دادند. ای اس ای  
پاکستان در کمین بود و در صدد برآمد که از اختلافات داخلی دولت افغانستان استفاده  
کرده جنبش طالبان را دوباره سازمان داد تا تهدید و فشارش را بالای دولت افغانستان  
وارد نموده و از آن بهره برداری نماید. حملات تروریستی از قلمرو پاکستان بالای  
افغانستان دوباره آغاز و روز تاروز تشدید شده میرفت. هر قدر نیروهای نظامی آمریکا،  
ایساف و ناتو در افغانستان بیشتر شده رفت به همان تناسب به تعداد حملات و تکنیک های  
حمله نیز افزایش داده شد و به حملات انتحاری و بمب گذاری ها روی جاده ها از دیاد  
بعمل آمد. تلفات نظامیان آمریکا، ایساف و ناتو هم صعود کرده رفت. تلفات افراد ملکی هم  
به اوج خود رسید. انکشافات اوضاع، جنگ تروریسم و انتی تروریسم را به بن بست  
کشانید. یکی از علل این بن بست اشتباهات خارجی ها در افغانستان میباشد که در بازی  
شطرنج نظامی همه توجه شان را بر ضد و سرکوبی پیاده های جنگی متمرکز کردند.  
پیاده های جنگی به تعداد وافر در اطراف و اکناف منطقه وجود دارد که هر آن اکمال شده  
میتوانند. بر ضد سواره های شطرنج نظامی تا حال هیچ اقدام مؤثر صورت نگرفته است.  
همه میدانند تا زمانیکه مهره های سوار شطرنج نظامی خورد و نابود نشود و شاه کشت و  
مات نگردد این بازی شطرنج نظامی که در افغانستان جریان دارد هیچگاه خاتمه نخواهد  
یافت.

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر همه جنبش ها، مقاومت ها، نهضت ها، حملات، تعرض ها،  
جنگ ها و کشتار ها رنگ تروریسم و انتی تروریسم را بخود گرفته است که در رأس  
ابرقدرت تروریسم بن لادی و القاعده قرار دارد و در رأس ابر قدرت انتی تروریسم  
آمریکا و ناتو قرار دارد. متهمین تروریسم (بحیث مجرمین) به گوانتانامو و بگرام فرستاده

میشوند و متهمین انتی تروریسم (بحیث مجرمین) در ساحه سر زده میشوند. چقدر پیاده های جنگی در دوطرف و مردمان ملکی و بیگناه کشته میشوند باکی ندارد. همه این جنگ ها زیر چتر دموکراسی، حقوق بشر و شریعت و در محدوده تروریسم و انتی تروریسم انجام میشود. در جنگهای این دو ابر قدرت جهان مردم افغانستان تلفات عظیم انسانی و خسارات هنگفت اقتصادی را متحمل شدند که روی شوروی ها را شستند.

تا زمانیکه بین امریکا و بن لادن مصالحه و اشتهی نشود و یا یکی از طرفین، طرف دیگر را کشت و مات ندهد امکان صلح در افغانستان، منطقه و جهان بعید به نظر میرسد. بن لادن و القاعده در صف و جمله سواران شطرنج نظامی قرار دارند که تربیه، رهبری، تمویل، فراهم اوری اطلاعات، پلان گذاری و اکمالات جنگ و تداوی زخمیان جنگ را بعهده دارند. اگر بن لادن و القاعده این کار ها را نمیکند پس کی ها این کارها را انجام میدهند. طالبان در صف پیاده های شطرنج نظامی قرار دارند که در ساحه میجنگند و هرگز جای سواران را اشغال و پر کرده نمیتوانند و بالای شان اعتماد هم نمیشود. صلاحیت مصالحه و صلح را ندارند مگر اینکه از جانب سواره های شطرنج نظامی برای شان دستور داده شود. کرزی صاحب بیهوده به پیاده های جنگی کرنش میکند آنها نا توانتر از کرزی صاحب هستند. طالبان در جنگ خوب میوزمند زیرا که آنها برای جنگ تربیه شده اند. در مصالحه، صلح و اداره کشور هیچ کاری از دست آنها ساخته نیست.

کنفرانس لندن بخاطر ایجاد اعتماد جامعه افغانی و جهانی در رابطه به فساد اداری دولت افغانستان و سازمانهای خارجی که در افغانستان حضور دارند دایر گردید. هم خارجی ها و هم آقای حامد کرزی از اختلاس ملیارد هادالر کمک های جهانی به افغانستان اعتراف کردند که حیف و میل شده است. در کنفرانس لندن وعده سپردند که فساد اداری را ریشه کن میسازند تا اعتماد کشور های جهان را به دادن کمک های بیشتر جلب نمایند. اگر واقعاً آقای حامد کرزی و خارجی ها به این وعده های شان با وفا و صادق هستند باید در مرحله اول همان اشخاصی را که ملیارد ها دالر کمک های دوستان خارجی افغانستان



را اختلاس کرده اند به محاکمه بکشانند و پول های اختلاس شده را از نزد شان حصول نمایند. اختلاس جرم است باید با مجرمین برخورد قانونی شود در غیر آن ملت افغانستان چطور بالای حامد کرزی و خارجی ها اعتماد کنند که منابع معدنی تریلیون ها دالری افغانستان را در اختیار شان بگذارد که به میل خودشان قرارداد نمایند. کی تضمین میکند که باز هم اختلاس و سوءاستفاده ها صورت نخواهد گرفت.

اختلاس و استفاده جوئی در معادن به سهلت بدون مشکل صورت گرفته میتواند. برای مثال يك معدن ده ملیارد دالر سروی میشود. عاید افغانستان در این معدن متناسب فیصدی معین ده ملیارد دالر سنجش، محاسبه، تعیین وقابل تادیه میگردد. اما ملکیت این معدن در کل به قراردادی سپرده میشود. این معدن در واقعیت اش به بیش از پنجصد ملیارد دالر ذخایر دارد. جلو چنین اختلاسها چطور گرفته میشود! محترم آقای کرزی مجموع ارزش منابع اقتصادی و معدنی افغانستان را از قول سروی کنندگان امریکایی که برای شان ۱۷ ملیون دالر فیس داده بود در کنفرانس مطبوعاتی يك تریلیون دالر تخمین کرد. افواها ت وجود دارد که معادن افغانستان بین ۳ تریلیون الی ۱۲ تریلیون دالر ارزش دارد.

سروی ها و افواها ت قابل اعتبار و اعتماد نیستند، مقدار دقیق و واقعی ذخایر معادن را تثبیت کرده نمیتوانند. مهم این است که افغان ها باید تدابیری را اتخاذ نمایند که از اختلاس و سوء استفاده ها در معادن افغانستان جلوگیری نمایند.

یگانه راه و وسیله جلوگیری از سوء استفاده، اختلاس و فریبکاری در عقد قراردادهای معادن افغانستان این است که: معدن اهن حاجی گک و ذخایر نفت و گاز افغانستان با شرکت های مختلط دولتی افغانستان و شرکت های خارجی به تناسب ۵۱٪ و ۴۹٪ عقد قرار داد شود. در اینصورت اگر ذخایر معدن کم هم سروی شود نه افغانستان ضرر میکند و نه شرکت خارجی. هرکدام سهم معین خود را میگیرند. زیرا که ملکیت معدن به هر دو

طرف تعلق میگیرد. احتمال سوء استفاده و اختلاس از بین میرود.

سایر معادن افغانستان هم با شرکت های مختلط خصوصی افغانی و خارجی به فیصدی های معین قابل قبول طرفین عقد قرار داد شود تا سرمایه داران افغانی هم حمایت و تقویت شوند. راه دیگری که شفاف تر و به منفعت طرفین باشد دیده نمی شود. قرار داد مس عینک یک نمونه زنده چنین تشویش و نگرانی مردم ما میباشد.

کنفرانس لندن که جزء تکتیک های بازی شطرنج نظامی می باشد خواهد توانست با دادن سبببایدی ها به مخالفین در سطح پیاده های شطرنج نظامی صلح و امنیت را در افغانستان تأمین نماید! افغانها از دادن سبببایدی های دولت انگلستان به سیاست مداران افغان در گذشته ها تجارب و خاطرات تلخ دارند. انگلستان در آن وقت با دادن سبببایدی ها اهداف خود را دنبال میکرد.

طرح ها و پلان های کنفرانس لندن بخاطر نجات آقای کرزی طرح ریزی شده است زیرا تقلب گسترده در انتخابات ریاست جمهوری پله ترازوی حمایت مردم از دولت آقای حامد کرزی را پایین آورده است. توان مهار کردن فساد اداری را هم ندارد. میعاداخطاریه آقای اوباما هم سپری شده میرود. آقای کرزی یک کاری را باید بکند که از این ورطه بحران خود را نجات بد هد. برای نجات خود دست به سوی انگلستان و پاکستان و مخالفین مسلح دولت خود دراز کرد تا اگر بتواند با دادن پول و سهم در دولت حمایت انها را جلب نماید و موازنه را در دولت خود برقرار نماید و برای جامعه افغانی و جهانی و آقای اوباما دست اویزی داشته باشد که ارا نه کند. منافع انگلستان و پاکستان هم در این امر نهفته است. دیده شود که آقای کرزی و متحدین اش در این پلان موفق خواهند شد! با انهم از صلح باید حمایت کرد و مسایل را با حزم و احتیاط دنبال کرد که در عقب ان اهداف دیگری نهفته نباشد. قضاوت زمان همه حقایق را آشکار و برملا میسازد. آقای گولدن براون صدر اعظم انگلستان در کنفرانس لندن از خط دیورند نام برد.

فهمیده نشد که منظورش از ذکر خط دیورند در کنفرانس لندن چه بوده است!  
خدا کند با دادن سبب‌ساییدی‌های جدید زیر کاسه نیم کاسه‌ها نباشد.  
خدایا تو آن کن که انجام کار تو خوشنود شوی و ما رستگار.